

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۷

وصول مقاله: ۱۳۹۶/۸/۱۴

تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۴/۹

صفحات: ۱۹ - ۳۶

## روند تحول کالبدی - فضایی روستاهای پیرامون شهر کاشان طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۵۵\*

محمدعلی صادقی<sup>۱</sup>، دکتر عباس سعیدی<sup>۲</sup>، دکتر رحمت‌الله منشی‌زاده<sup>۳</sup>، دکتر فرهاد عزیزپور<sup>۴</sup>

### چکیده

عرصه محیطی سکونتگاه‌های انسانی، بستر نظام اجتماعی و اقتصادی است که ساخت‌ها و کارکردها بر آن تکیه دارند. بر همین مبنا، تحولات کالبدی - فضایی عرصه‌های روستایی و شهری حاصل تعامل متقابل عوامل و نیروهای مختلف در ابعاد محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی هستند. هدف از انجام این مقاله این است که در چارچوب رویکرد پویا ساختاری - کارکردی، ضمن تأکید بر پیوندهای روستایی - شهری به بررسی و تبیین تحولات کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های بخش مرکزی کاشان بپردازد. جامعه آماری برای انجام تحقیق، ۳۵ روستای دارای سکنه بخش مرکزی شهرستان کاشان با مجموع ۱۴۶۵۷ نفر جمعیت و ۴۸۹۱ خانوار است. حجم نمونه خانوارهای روستایی از فرمول کوکران به دست آمده است؛ بدین ترتیب که ۳۲۰ پرسشنامه به نسبت جمعیت هر روستا، بین خانوارهای روستاهای مذکور به صورت تصادفی توزیع و تکمیل شد. در راستای تحلیل و تبیین داده‌ها و اطلاعات از روش‌های کیفی (تحلیل منطقی)، کمی (آماري - توصیفی) و SPSS استفاده شد. جمع‌آوری اطلاعات نیز به روش اسنادی و میدانی بوده که روش اسنادی شامل سوابق آماری، کارهای صورت‌گرفته در دانشگاه‌ها و مؤسسات مختلف و روش میدانی نیز از طریق پرسشنامه خانوار روستایی بوده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد، در سکونتگاه‌های بخش مرکزی شهرستان کاشان با مرکزیت منطقه‌ای شهر کاشان، عوامل و نیروهای مختلف با ابعاد محیطی - اکولوژیک، اجتماعی و اقتصادی به صورت برهم‌افزا (سینرژیک) در فرایند دگرگونی سکونتگاه‌های ناحیه اثرگذر بوده‌اند؛ به طوری که پیامدهای این دگرگونی‌ها در عرصه‌های مختلف، از جمله تغییرات محیطی - اکولوژیک، بهره‌گیری از فناوری، تغییر کاربری اراضی، محدودیت‌های فعالیت کشاورزی، گسترش واحدهای صنعتی و تغییر در الگوهای رفتار اجتماعی قابل ردیابی است. هرچند این پیامدها در بعضی عرصه‌ها موجب توسعه روستایی - شهری شده، اما تعارضاتی نیز در عرصه‌های کالبدی - فضایی به همراه داشته است. کلید واژگان: پویا ساختاری - کارکردی، تحولات کالبدی - فضایی، برنامه‌ریزی فضایی، سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی شهرستان کاشان.

\* پژوهش حاضر از رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی آمایش کیفیت محیطی «با عنوان فرایند دگرگونی کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های بخش مرکزی کاشان با تأکید بر توسعه روستایی - شهری (پس از انقلاب اسلامی)» با راهنمایی دکتر عباس سعیدی، استخراج شده است.

gis1007@yahoo.com

abbsaidi@gmail.com

rahmatollahmonshezhadeh@gmail.com

azizpour@khu.ac.ir

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی  
۲- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسؤول)  
۳- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی  
۴- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

## مقدمه

هر نظام فضایی، از جمله سکونتگاه‌های روستایی، نه تنها تحت تأثیر نیروها و روندهای درونی جاری در محیط خود است؛ بلکه ضمناً از نیروها و روندهای بیرونی نیز به شیوه‌های مختلف تأثیر می‌پذیرد. این‌گونه تعامل نیروهای درونی و بیرونی از قانونمندی‌های حاکم بر تمام انواع نظام‌ها به‌شمار می‌رود (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۳۰۷) که مجموعه عوامل و نیروهای دخالت‌کننده در مقیاس محلی، ناحیه‌ای و جهانی را دربر می‌گیرد و در تعاملی پویا، بسترساز دگرگونی نظام‌های مکانی - فضایی به‌شمار می‌روند؛ بنابراین این تعامل مبتنی بر اثرگذاری متقابل فقط بر شالوده‌های متناسب محیطی، به تحول دلخواه و هدفمند رهنمون می‌شود. بدین‌سان، نظام‌های سکونتگاهی در فرایند یک تعامل پویا از نیروهای گوناگون اثرگذار در روند زمان، رنگ و شکل می‌گیرند (سعیدی، ۱۳۹۰: ۳۵۵). علاوه بر آن عوامل و نیروهای درونی و بیرونی، هر یک در بستر زمان به شکلی در روند تحولات سکونتگاه‌های روستایی پیرامونی شهرها تأثیر گذاشته است؛ به‌صورتی که این‌گونه دگرگونی‌ها به‌نحو بارزی در ساختار کالبدی - فضایی این عرصه‌های زیستی تجلی یافته است. این نیروها، مجموعه عوامل و نیروهای دخالت‌کننده در مقیاس محلی، ناحیه‌ای و جهانی را دربر می‌گیرد (صدوق و سعیدی، ۱۳۸۵: ۹). سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی شهرستان کاشان نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و با دگرگونی‌های قابل‌توجهی در ابعاد مختلف اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی - فضایی روبه‌رو بوده است. طی دهه‌های اخیر، سکونتگاه‌های مذکور به‌ویژه روستاهای واقع در حاشیه شهر کاشان از جمله، لتحر، حسن‌آباد، فین، خزاق، طاهرآباد، یزدآباد، سفیدآباد، صفی‌آباد، متأثر از گسترش کالبدی شهر با پدیده خوردنگی مواجه شده و در پیکره شهر استحاله شده‌اند و پذیرای تحولاتی در ابعاد مختلف شده‌اند و برخی دیگر از عرصه‌های روستایی همچون بیشتر روستاهای جنوب غربی دهستان خرم‌دشت مانند تتماع، زنجانبر، نصرآباد

و خرم‌دشت، کارکردی استراحتگاهی، خوابگاهی، خدماتی - تولیدی، کارگاه‌ها، صنایع کوچک، انبار و سوله تبدیل شده‌اند. برخی دیگر از روستاها مانند بیشتر روستاهای دهستان خرم‌دشت در اثر عواملی همچون کمبود و کاهش منابع آبی و نیز فقدان برنامه‌های لازم برای کاربری مناسب و قانونمند اراضی در عرصه‌های روستایی، تغییر نامناسب کاربری‌ها، تخریب اراضی زراعی، مرتعی و جنگلی و درنهایت از بین رفتن استعدادهای کشاورزی، در معرض فروپاشی و از هم گسیختگی ساختاری - کارکردی قرار گرفته‌اند و درحال حاضر برخی از آن‌ها خالی از سکنه شده‌اند. به‌طور قطع درباره سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی می‌توان عنوان کرد، مجموعه عوامل و نیروها با منشأ داخل و خارج از روستا، منجر به دگرگونی‌های پدیده‌ای شده است؛ چنانکه هم‌اکنون تعارضاتی نیز در عرصه‌های کالبدی - فضایی به‌صورت دگرگونی در ساختار کالبدی - فضایی دو عرصه روستایی و شهری در بخش مرکزی شهرستان کاشان پدید آورده است. مقاله حاضر در تلاش است تا علاوه بر تبیین عوامل و نیروهای مختلف مؤثر در این‌گونه دگرگونی‌ها، پیامدهای این تغییرات را در زمینه‌های کالبدی - فضایی، در دوره زمانی پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) با تأکید بر عرصه‌های محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی شناسایی کند که برای نیل بدین مقصود، پرسش‌های مبنایی ذیل مطرح می‌شوند:

- ۱- کدام عوامل و نیروها در دگرگونی‌های کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های محدوده مورد مطالعه اثرگذار بوده‌اند؟
- ۲- چگونه می‌توان با کنترل عوامل و نیروهای مذکور، زمینه توسعه روستایی - شهری یا کاهش اثرات منفی ناشی از تحولات کالبدی - فضایی در روستاهای مورد مطالعه را فراهم کرد؟

## رویکرد نظری تحقیق

دیدگاه جدید در جغرافیا روندها و پدیده‌های جغرافیایی را در قالب نظام‌های فضایی و در چارچوب نگرش سیستمی مورد توجه قرار می‌دهد. نگرش سیستمی، چارچوب روش‌شناختی در جهت تحقیق و

کاربرد دارند؛ بنابراین با توجه به سرشت ساختاری- کارکردی سکونتگاه‌های روستایی، نمی‌توان فعالیت‌ها و روابط آن‌ها را بدون توجه به کانون‌های شهری تصور کرد. از دیدگاه محیطی، تعامل روستایی- شهری را می‌توان موزاییکی ناهمسان از نظام‌های محیطی، نظام‌های تولیدی- زراعی و نظام‌های شهری تصور کرد که تحت تأثیر جریان‌های مادی و انرژی مورد نیاز نظام‌های شهری و روستایی قرار دارد (سعیدی، ۱۳۸۴: ۴۵). این رویکرد بر این واقعیت استوار است که میان اجزای ساختاری و کارکردی تمام پدیده‌های جغرافیایی- در اینجا نظام‌های فضایی، همچون شهرها، روستاها، مناطق و نواحی- نوعی پیوند تنگاتنگ و غیرقابل انکار، هم به وجه عمودی و هم به لحاظ افقی برقرار است؛ که مجموعه حاصل از آن، قابلیت‌های آن نظام را نمایندگی و تحقق‌پذیر می‌سازد. در واقع نگرش جدید جغرافیا روندها و پدیده‌های جغرافیایی را در چارچوب نظام‌های فضایی و نگرش سیستمی مطالعه می‌کند. سعیدی (۱۳۸۵)، نیروها و عوامل عمده و بنیادی دخالت‌کننده در شکل‌دهی به نظام‌های فضایی را به دو گروه تقسیم می‌کند: الف) نیروها و عوامل درونی که خود در دو گروه از عوامل و نیروها قابل تفکیک هستند: ۱- نیروها و عوامل محیط طبیعی- کولوژیک؛ ۲- نیروها و عوامل محیط اجتماعی- اقتصادی. ب) نیروها و عوامل بیرونی که به‌طور کلی، مجموعه عوامل و نیروهای دخالت‌کننده در مقیاس محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و جهانی را شامل می‌شوند. «سیسیلیا تاکولی» از محققان برجسته‌ای است که در زمینه روابط شهر و روستا پروژه‌های متعددی در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین همراهی انجام داده است. از دیدگاه او روابط و وابستگی‌های میان شهر و روستا به دو گروه کلی «روابط متقابل فضایی» (مردم، کالاها، ایده‌های اطلاعات، سرمایه‌ها، پسماندها و...) و «روابط متقابل بخشی» تقسیم می‌شود (Tacoli, 1998:148). سرآغاز بحث‌های جدی و عملی مربوط به روابط شهر و روستا توسط جغرافیدانان عمدتاً به سال ۱۹۴۰ میلادی برمی‌گردد. در ایران یکی از پیشگامان این مبحث

بررسی ساخت و کارکرد یک سیستم را فراهم می‌آورد و به جغرافیدان امکان می‌دهد که به‌منزله ابزار روش‌شناختی، فرم تازه‌ای از جامعیت جغرافیایی بنا کند (شکویی، ۱۳۸۹: ۴۹). در این رویکرد، نظام فضایی حاوی مجموعه‌ای از اجزاء مرتبط است که از قانونمندی‌های عمومی حاکم بر نظام‌ها (سیستم‌ها) تبعیت می‌کند. به این ترتیب، در این دیدگاه برخلاف دیدگاه سنتی، نظام‌های فضایی نه تنها دارای سیمای ظاهری، بلکه ضمناً از چهره‌ای درونی برخوردارند؛ به سخن دیگر، یک نظام فضایی صرفاً برآیند تأثیرگذاری و تأثیرپذیری یا تجلیگاه تعامل نیروها و عواملی است که اساساً این نظام‌ها بر شالوده آن‌ها شکل می‌گیرند و با اثرپذیری از آن‌ها، در گذر زمان تغییر می‌کنند. بر این اساس، همه پدیده‌های جغرافیایی، اعم از طبیعی- اکولوژیک یا اجتماعی- اقتصادی، حاوی خصلت و قانونمندی‌های نظام‌ها (سیستم‌ها) هستند و از این رو، نظام‌وار عمل می‌کنند. علم جغرافیا که بر بررسی و شناخت این‌گونه پدیده‌ها تأکید دارد، در عمل، «نظام‌های جغرافیایی» یا به زبان بهتر، «نظام‌های فضایی» را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد. هر نظام فضایی متشکل از مجموعه‌ای مرتبط از ساختارها و کارکردهای گوناگون است. ساختار فضایی شامل «ابعاد بستر ساز روابط و مناسبات اجتماعی- اقتصادی» و کارکرد فضایی نیز شامل «مجموعه فعالیت‌ها و روابط حاکم بر آن‌هاست». ساختارها و کارکردهای هر نظام نیز شامل ساخت‌ها و کارکردهای عینی- ذهنی است (سعیدی، ۱۳۹۲: ۲). بین ساختارهای مختلف و کارکردهای گوناگون هر نظام، نوعی هم‌پیوندی و هم‌نوایی برقرار است (سعیدی، ۱۳۹۳: ۵). باید توجه داشت که رویکردهای ساختاری و کارکردی در واقع مجموعه‌ای از گرایش‌ها و برداشت‌های مختلف به پدیده‌های سیستمی (نظام‌ها) را تشکیل می‌دهند که در علوم مختلف از جمله پزشکی (Mauer, s.m & et al, 1984)، روان‌شناسی اجتماعی (Parysek, 2004)، علوم تربیتی (Heck, Ronald, 1998)، جامعه‌شناسی (Rathbun, 2008) و اقتصاد (Lambooy, & et al, 2001)

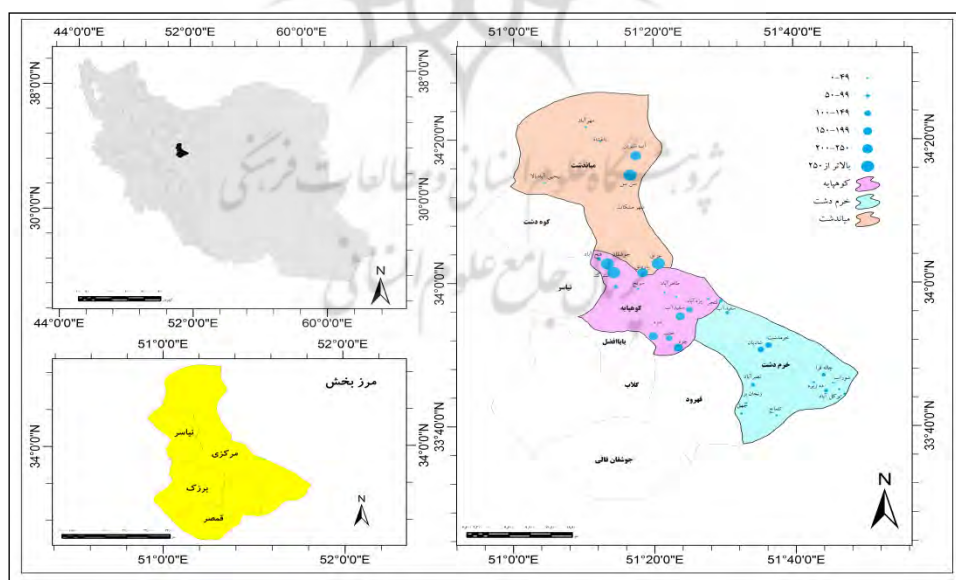
شهرک‌های بازاری، شهرهای میانی و نواحی کلان‌شهری در کشورهای در حال توسعه، بدون یکپارچه‌کردن کارکردهای شهری و روستایی در نظام فضای ملی قابل دسترسی نیست (Rondinelli, 1985:34). راندینلی و رودل عقیده دارند، کنش متقابل جوامع عمدتاً حاصل پیوندهای کالبدی است که خود مبتنی بر وابستگی متقابل منابع و نیز شبکه‌های حمل‌ونقل است. بعد دیگر پیوندها را در ساختار فضایی، پیوندهای اقتصادی تشکیل می‌دهد که بر شبکه‌های بازار، کالا، مواد خام و مانند آن متکی است. حرکت‌های جمعیتی خود یکی از ابعاد اصلی سازمان فضایی است (Rondinelli & Ruddle, 1978:160). جانستون نیز یکی از سه بعد فضایی را در پیوندهای جمعیتی خلاصه کرده است. از انواع دیگر پیوندها در سازمان فضایی، پیوندهای فناوری است که امکان افزایش تولید و بهره‌دهی را میسر می‌سازد (Johnston, 2000: 6-7). با توجه به رویکرد حاکم‌بر تحقیق نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه نه تنها زیر تأثیر نیروها و روندهای درونی جاری در محیط خود است، بلکه ضمناً از نیروها و روندهای بیرونی نیز به شیوه‌های مختلف تأثیر می‌پذیرند؛ بنابراین تحولات کالبدی-فضایی صورت‌گرفته در محدوده مورد مطالعه را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که تا قبل از انقلاب در روستاهای مورد مطالعه اصول نظریه هانس بوبک حاکم بوده است؛ زیرا تقریباً بیشتر اراضی کشاورزی روستاییان متعلق به اربابان (خان‌ها) ساکن در شهر کاشان بود و مردم در قالب نظام سهم‌بری بر روی این زمین‌ها کار می‌کردند و بخش غالب تولیدات این اراضی وارد شهر کاشان می‌شده است. در آن زمان، شهر کاشان تقریباً همان خصوصیات را دارا بوده است که هانس بوبک در نظریه سرمایه‌داری بهره‌وری خود برای شهرها برشمرده بود؛ بنابراین تحقیق حاضر سعی دارد با توجه به رویکرد ساختاری-کارکردی به بررسی تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های بخش مرکزی کاشان بپردازد.

«هانس بوبک» جغرافیدان اتریشی است که در سال ۱۹۸۴ برای نخستین بار کوشید این مقوله را در چارچوب نظری مطرح سازد. وی در مقاله‌ای با عنوان «مراحل اساسی تکامل اجتماعی-اقتصادی از دیدگاه جغرافیا»، این‌گونه روابط را به‌ویژه در خاورمیانه، نوعی صورت‌بندی اجتماعی-اقتصادی و مرحله‌ای مستقل در روند تکوین تاریخی براساس مدل پیشنهادی خود به‌شمار می‌آورد. «اکارت اهلرس» در مطالعات خود بر روی دزفول، طبرس و حوزه روستایی پیرامون آن، به این نکته اشاره می‌کند که شهرها نه تنها شالوده و اساس اولیه خود را مدیون حوزه‌های پیرامونی هستند؛ بلکه این حوزه‌ها از طریق مازاد تولید، اساس تغذیه جمعیت شهری را فراهم می‌سازند و در عین حال، بازاری برای تولیدات نهایی یا نیمه‌تمام شهری به‌شمار می‌آید. محمدتقی رهنمای با طرح نظر خود با عنوان دولت و شهرنشینی و طرح دو مسأله مهم «نفتی‌شدن اقتصاد ایران» و «تکوین نظام دیوان‌سالاری» به نقد سرمایه‌داری بهره‌وری هانس بوبک می‌پردازد. به نظر او دولت با استقرار نظام اداری و سیاسی و با تکیه بر درآمدهای نفتی، توانسته جریان ثروت و سرمایه را از بالا به پایین کرده و مقوله جدید «دولت» را در روابط شهر و روستا مطرح کرده است که موجب دگرگونی روابط شهر و روستا شده است. ساختار فضایی هر مکان تجلی‌گاه کنش متقابل میان جامعه انسانی و محیط طبیعی پیرامون است (Coates & es al, 1977,253). جانستون نیز مطالعه و درک نظام‌های فضایی را مستلزم بررسی مکان کارکردها و کنش متقابل مابین آنها می‌داند. او مکان کارکردها را مؤلفه سازمانی و روابط متقابل میان کارکردها را مؤلفه مبادله به‌شمار می‌آورد (Johnston, 2000:5). راندینلی، یکپارچه‌کردن کارکردهای شهری و روستایی را مطرح می‌سازد. وی معتقد است: یکپارچه‌کردن جوامع کوچک و فعالیت‌های تولیدی آنها در اقتصاد ملی، هدف اصلی استراتژی دگرگونی است؛ تا جایی که هیچ‌یک از اهداف بازده و ازدیاد درآمد و نیز عدالت بیشتر در توزیع درآمد، بدون افزایش رابطه میان دهکده‌ها،

### روش تحقیق و قلمرو مورد مطالعه

تحقیق حاضر از لحاظ هدف‌گذاری، کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی، توصیفی- تحلیلی است؛ از این رو در فرایند تحقیق برای گردآوری اطلاعات بخش توصیفی متناسب با داده‌های موردنیاز تحقیق از روش کتابخانه‌ای و منابع مرجع، کتاب‌ها، مقالات، گزارشات، سالنامه‌ها و... استفاده شد و روش پیمایشی به صورت بررسی‌های میدانی (پرسشگری) به عنوان ابزار گردآوری داده‌های بخش تحلیلی به کار برده شد. جامعه آماری برای انجام این پژوهش ۳۵ روستای دارای سکنه محدوده بخش مرکزی شهرستان کاشان با مجموع ۱۴۶۵۷ نفر جمعیت و ۴۸۹۱ خانوار (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) است که با استفاده از روش تمام‌شماری تعیین شده‌اند. برای تعیین حجم نمونه خانوار روستایی در ۳۵ روستای مذکور از فرمول کوکران استفاده شد؛ بدین ترتیب ۳۲۰ پرسشنامه خانوار روستایی به نسبت جمعیت هر روستا به طور تصادفی بین خانوارهای روستاهای مذکور توزیع و تکمیل شده است. از لحاظ

موقعیت ریاضی شهرستان کاشان، در  $33^{\circ}$  و  $32'$  تا  $34^{\circ}$  و  $30'$  عرض جغرافیایی  $50^{\circ}$  و  $56'$  تا  $52^{\circ}$  و  $54'$  طول شرقی واقع شده است و مساحت شهرستان کاشان  $4415/07$  کیلومتر مربع است و در ارتفاع متوسط ۹۵۵ متر از سطح دریا قرار دارد. این شهرستان در شمال استان اصفهان قرار گرفته که از طرف شمال به گرمسار و قم و دریاچه نمک، از جنوب به شهرستان‌های نطنز و برخوار و میمه، از شرق به شهرستان‌های آران و بیدگل و نطنز و از غرب به محلات و دلیجان در استان مرکزی محدود می‌شود. شهر کاشان (استان اصفهان) در میان دشتی به وسعت ۸۵۰۰ هکتار واقع شده است. محدوده مورد مطالعه براساس آخرین تقسیمات کشوری (۱۳۹۵) مشتمل بر سه دهستان میاندشت، کوهپایه و خرم‌دشت است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). شکل (۱) موقعیت بخش مرکزی شهرستان کاشان را در تقسیمات کشوری نشان می‌دهد.



شکل ۱. موقعیت بخش مرکزی شهرستان کاشان

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

مرکزی کاشان و شکل‌گیری جریان‌های فضایی در سطح بخش مرکزی این شهر، عوامل و نیروهای مختلف با منشأ درونی و بیرونی اثرگذار بوده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها در راستای تبیین مسأله و پرسش

عوامل و نیروهای مؤثر بر تحولات کالبدی- فضایی

نتایج بررسی‌های اسنادی و پیمایشی نشان می‌دهد که در روند تحولات کالبدی- فضایی سکونتگاه‌های بخش

تحقیق، مطرح و از دو جنبه ساختاری و کارکردی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### الف - عوامل و نیروهای محیطی - اکولوژیک

الگوی سکونت‌گزینی روستایی بیش‌از هر چیزی متأثر از عوامل محیطی - اکولوژیک است، تا جایی که الگوی اسکان سکونتگاه‌های روستایی را از لحاظ بنیادی، انعکاس عوامل و نیروهای محیط طبیعی به‌شمار آورده‌اند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۸۳). در نگاه کلی، شرایط خاص اقلیمی به‌عنوان یک عامل درونی در منطقه، سطح بسیار وسیعی از ناحیه را در حوضه نواحی دارای استعداد کم، در جهت استقرار جمعیت قرار داده است. بدین ترتیب وجود نواحی خشک، کمبود بارش و کمبود منابع آب از عمده‌ترین عوامل (درونی) تأثیرگذار در منطقه هستند. حداکثر ارتفاع در غرب ناحیه دشتی، ۲۳۱۰ متر و حداقل آن در شرق و شمال آن حدود ۹۰۰ متر است. این تنوع ارتفاعی باعث پدید آمدن تنوع طبیعی و به تبع آن تنوع توزیع جمعیتی می‌شود. براساس تقسیم‌بندی اقلیمی، قسمت‌های شرق، شمال‌شرق، شمال و مرکز ناحیه دارای آب و هوای گرم و خشک و بیابانی است و در قسمت‌های غربی و نواحی کوهستانی، آب و هوای نیمه‌خشک و سرد حاکم است؛ بنابراین شرایط همگن و یکنواختی برای استقرار مراکز جمعیتی و سکونتی در سطح ناحیه وجود ندارد و اکثر سکونتگاه‌ها و مراکز استقرار جمعیت در آن بخش از ناحیه محدود شده‌اند که منابع آب و خاک کافی در دسترس آن‌ها قرار دارد. شکل (۲) عناصر ساختار محیطی - اکولوژیک بخش مرکزی کاشان را نشان می‌دهد. نحوه استحصال آب ناحیه از طریق حفر چاه عمیق و نیمه‌عمیق، قنات، چشمه و بهره‌گیری از

آب‌های سطحی است که در مدت چند سال، این منابع از نظر کمی و کیفی دچار تحول شده‌اند. همچنین مطالعات امور آب منطقه‌ای نشان می‌دهد، فشار بی‌رویه بر منابع آب زیرزمینی در این محدوده باعث شده است که سطح سفره‌های آب زیرزمینی در طول سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۷۲ بیش‌از ۲ متر کاهش ارتفاع پیدا کند. براساس جدول (۱) معمولاً چاه‌ها در دشت و قنات و چشمه‌ها بیشتر در نقاط کوهستانی دیده می‌شود. سطح ایستایی، کیفیت و دبی این منابع در مناطق مختلف ناحیه متفاوت است. علاوه‌بر این در کاشان، ۹۶ درصد آب برداشتی به بخش کشاورزی و مابقی به‌ترتیب، به شرب و صنعت اختصاص دارد. از دیگر تحولات محیطی - اکولوژیک شهر کاشان و پیرامون آن، ایجاد کارخانه‌ها و کارگاه‌های مختلف صنعتی است که موجب بروز انواع آلاینده‌ها و مشکلات زیست‌محیطی در سطح ناحیه شده است. از صنایع آلاینده در منطقه می‌توان به صنایع نساجی، رنگریزی، شیمیایی، فلزی و غذایی اشاره کرد که با ایجاد فاضلاب‌های صنعتی و انسانی و همچنین ضایعات جامد، موجب بحران در پهنه‌ها و حاشیه شهر کاشان شده‌اند. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد، از بین همه کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی در بخش مرکزی، فقط حدود ۱۰ درصد به تجهیزات ایمنی محیط زیستی در سطوح مختلف، مثل تصفیه‌خانه صنعتی کم‌بازده و یا فیلترهای آبی و هوایی مجهز هستند. هر چند صنایع به‌عنوان یک قابلیت در حیات و پویایی و چرخه اقتصادی شهر نقش ویژه‌ای دارد؛ ولی معضلات ناشی از آن‌ها موجب تحولات و اختلال‌هایی در تعادل شرایط محیطی - اکولوژیک ناحیه شده است.

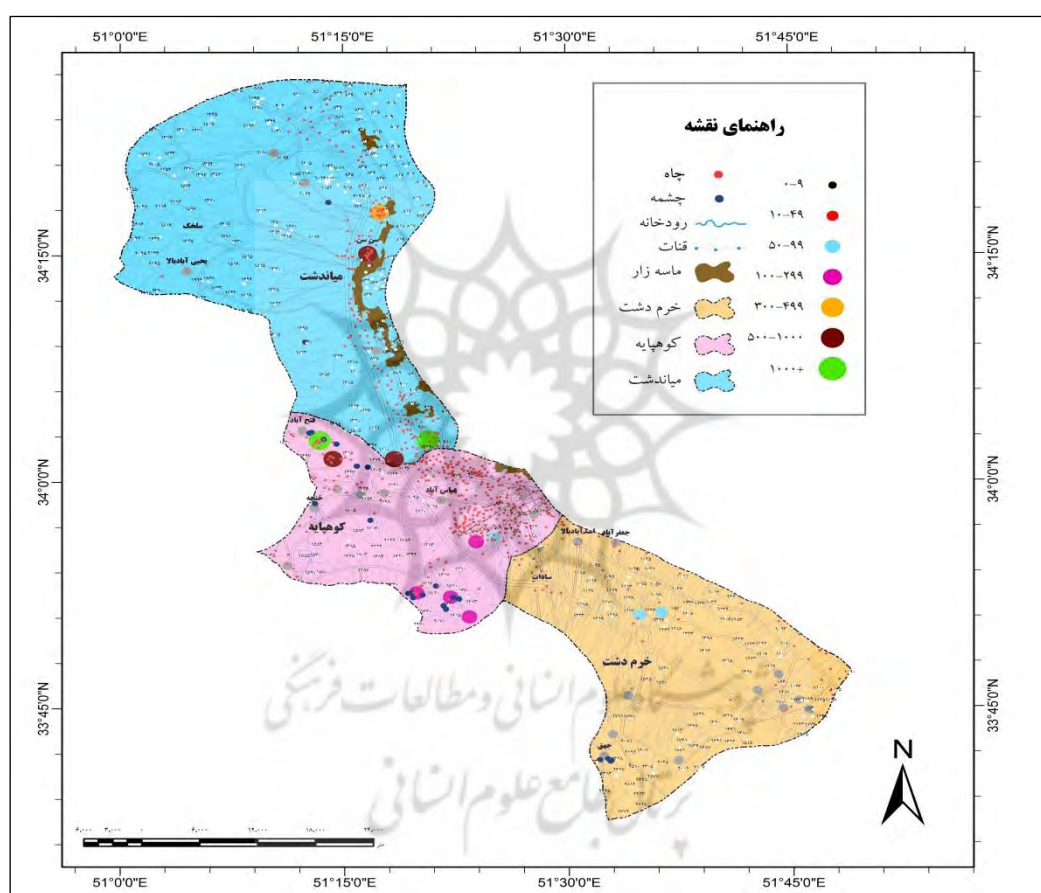
جدول ۱. مشخصات منابع آب زیرزمینی کاشان

نام دشت	چاه‌های عمیق		چاه‌های نیمه عمیق		قنات		چشمه‌ها	جمع
	تعداد	عمق (متر)	تعداد	عمق (متر)	تعداد	عمق (متر)		
دشت کاشان	۷۴۳	۲۹۶۲۲	۱۳۵	۱۶۵۰۰	۵۹	۱۲۰۱۶	۲	۲۳۰/۲۶
ارتفاعات کاشان	۶۵	۱۴۹۶۰	۳۰۴	۶۸۲۰	۳۴۵	۸۶۶۷۷	۲۲۲	۱۳۰/۴۵
کل ناحیه	۱۲۶۵	۴۲۴۸۳۲	۵۷۳	۴۴۷۸۱	۱۴۵۱	۳۴۴۷۵۳	۳۶۹	۱۴۴۲/۶۱

(منبع: سازمان امور آب منطقه‌ای شهرستان کاشان، ۱۳۸۰)

شهرها (کاشان و مشکات) و نیاز روزافزون آن‌ها به احداث واحدهای تولیدی و صنعتی منجر به برداشت مجاز و غیرمجاز مصالح ساختمانی (سنگ، گچ، شن و ماسه) در حاشیه رودخانه‌ها در برخی از روستاهای منطقه شده است که می‌توان آن را به‌عنوان جنبه دیگری از تحولات ساختار محیطی- اکولوژیک ناحیه دانست.

مراکز بحرانی منطقه از لحاظ محیطی شامل موارد زیر است: ۱- شهرک صنعتی راوند؛ ۲- شهرک صنعتی امیرکبیر (بدون تصفیه‌خانه) فاز یک و دو؛ ۳- مجتمع صنایع کارگاهی امیرکبیر (بعد از آرمستان دارالسلام) و ۴- رودخانه‌ها و نهرهای درون و حاشیه شهر. علاوه بر شهرک‌های صنعتی، کارگاه‌ها و واحدهای صنعتی مختلفی به‌صورت پراکنده در منطقه وجود دارد. همچنین ساخت‌وسازهای مسکونی در روستاها و



شکل ۲. عناصر ساختار فضایی محیطی- اکولوژیک بخش مرکزی کاشان

(منبع: نویسنده، ۱۳۹۶)

کوچ‌نشینی در ناحیه را نداده است؛ بر همین اساس اکثر روستاهای ناحیه نام و نشان باستانی دارند، به‌ویژه روستاهای قدیمی و کهن‌سال (مانند دهن‌یره، شور آب و خرم‌دشت) که به‌صورت واحه‌های کوچک در دل دره‌ها و بیابان‌ها و کناره‌های کویر شکل گرفته‌اند. بر پایه این نظام اسکان، در طول قرن‌ها، نوعی پیوند بین شهر کاشان و روستاهای پیرامون به‌وجود آمده که این

### ب- عوامل و نیروهای فرهنگی- اجتماعی

به‌لحاظ ساختار تاریخی- فرهنگی، یک عنصر اجتماعی- فرهنگی (به معنای وسیع کلمه) در نظام اسکان محدوده مورد مطالعه، نقشی دیرپا و تعیین‌کننده داشته است و آن یکجانشینی به‌صورت شهرها و روستاهاست. در واقع عوامل و نیروهای طبیعی و اجتماعی- فرهنگی اجازه رشد شیوه‌گذاران

درصد) در ناحیه طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۵ است. بر این اساس، جمعیت ناحیه عمدتاً شهرنشین به حساب می‌آیند. نرخ رشد جمعیت روستایی ناحیه با توجه به عوامل عینی مهاجرت، کاهش میزان رشد طبیعی جمعیت، کاهش میزان باروری و مرگومیر و همچنین به تبعیت از نرخ رشد عمومی ناحیه و شهر کاشان روندی کاهنده داشته و به نرخ رشد (۱/۸۲ درصد) در سال‌های بین ۱۳۹۵-۱۳۸۵ رسیده است. البته ارقام کنونی را باید با توجه به روند مهاجرت در شهرستان تحلیل کرد. جدول (۳) مهاجران وارد شده برحسب جنس، گروه‌های سنی و نسبت جنسی را طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ نشان می‌دهد که از ۱۱۴۵۰ نفر در سال ۱۳۹۵، به ۲۹۷۰۸ نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. در مجموع می‌توان استنباط کرد که ساختار جمعیت روستایی بخش مرکزی شهر کاشان، تحت تأثیر عوامل و نیروهای بیرون، یعنی مجموعه سیاست‌ها و اقدامات اعمال شده از طرف شهر کاشان مانند تمرکز فعالیت‌ها، مورد تغییر و تحول قرار گرفته‌اند. شکل (۳) پراکندگی جمعیت روستاها طی دوره آماری ۱۳۹۵-۱۳۶۵ براساس شاخص توزیع جهت‌دار نشان می‌دهد، پراکندگی جمعیت روستاها طی دوره آماری مذکور از الگوی خوشه‌ای تبعیت می‌کنند و بیشتر کانون‌های مرکزی جمعیت ناحیه کاشان روستاهایی هستند که به نوعی مرکز دهستان هستند یا در مجاورت شهر کاشان قرار گرفته‌اند؛ از جمله این روستاها می‌توان به جوشقان استرک و سن‌سن، به‌عنوان مراکز دهستان اشاره کرد. برخی از روستاها مثل روستای خزاق و طاهرآباد در مجاورت شهر کاشان استقرار دارند. همین امر موجب شده این روستاها پایه‌پای شهر کاشان و تحت تأثیر همین شهر، رشد داشته باشند.

امر باعث شد، از اوایل قرن چهارده خورشیدی این شهر کانون توسعه مدرن قرار گیرد و اولین جلوه‌های مدرن، بسیار زودتر از بسیاری از شهرهای دیگر، در این شهر تجلی پیدا کند؛ برای مثال تأسیس اداره‌های دولتی در شهر کاشان از ۱۳۰۴ به بعد، تأسیس اولین دبستان در سال ۱۳۰۱ و تأسیس دبیرستان در سال ۱۳۰۸؛ بنابراین همگنی فرهنگی در ناحیه، در دورانی که مهاجرت از روستاها به مراکز اصلی شهری گسترش یافت، مانع از آن شد که شهر ناحیه‌ای (کاشان) مانند دیگر شهرهای بزرگ کشور دچار ناهمگنی اجتماعی و فرهنگی شود. در واقع در ناحیه، مهاجرت به صورت درون منطقه‌ای و از روستاهای ناحیه به شهر کاشان گرایش غالب را تشکیل می‌دهد. به عبارتی سنت دیرپای یکجانشینی در سطح کلی، گرایش‌های پایداری را در ناحیه به وجود آورده که پیامد آن به صورت‌های مختلف در نظام اسکان تأثیر گذاشته است. مهم‌ترین این گرایش‌ها ایجاد مزرعه‌ها و آبادی‌های کوچک است. قدیمی‌ترین اطلاعات ما از ناحیه به اواخر دوران قاجار برمی‌گردد؛ ولی می‌توان حدس زد که این سنت، سنتی کهن‌سال در ناحیه بوده است. از آن گذشته می‌توان ده‌ها آبادی را با پسوندهای مختلفی در ناحیه‌ای مانند خرم‌دشت، میاندشت مشاهده کرد که نشان‌دهنده گرایش قوی برای آبادانی در ناحیه است. بررسی روند تحولات ساختار جمعیتی روستاها نشان می‌دهد، براساس داده‌های جدول شماره (۲) جمعیت روستاهای مذکور طی دوره ۴۰ ساله (۱۳۹۵-۱۳۵۵) روند افزایشی‌کندی داشته‌اند؛ به طوری که از ۱۱۰۱۹ نفر در سال ۱۳۵۵، به ۱۵۷۶۲ نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش داشته است و طی این مدت رشدی برابر با (۰,۸۹ درصد) را تجربه کرده است. آنچه در این ناحیه جلب توجه می‌کند، افزایش نرخ رشد جمعیت شهری (۳/۲۴)

جدول ۲. روند تحولات و نرخ رشد جمعیت در سکونتگاه‌های روستاهای بخش مرکزی کاشان طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۵

شرح	سال					نرخ رشد (درصد)				
	سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۵۵-۶۵	۶۵-۷۵	۷۵-۸۵	۸۵-۹۵
روستایی	۱۱۰۱۹	۱۴۰۵۰	۱۰۳۷۱	۱۳۱۵۳	۱۵۷۶۲	۲,۴۶	-۲,۹۹	۲,۴۰	۱,۸۲	۰,۸۹
شهری	۸۴۸۶۳	۱۳۸۵۹۹	۲۰۱۳۷۲	۲۵۴۵۸۱	۳۰۴۴۸۷	۵,۰۲	۳,۸۰	۲,۳۷	۱,۸۰	۳,۲۴

(منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۵۵)



جدول ۳. مهاجران وارد شده بر حسب جنس، گروه‌های سنی و نسبت جنسی ۱۳۶۵-۱۳۷۵

شرح گروه سنی	۱۳۶۵			۱۳۷۵			نسبت جنسی
	مرد	زن	نسبت جنسی	مرد	زن	نسبت جنسی	
جمع	۱۱۴۵۰	۶۳۵۷	۵۰۹۳	۲۹۷۰۸	۱۷۱۷۹	۱۲۵۲۹	۱۳۷
۹-۰	۲۱۲۰	۱۰۷۱	۱۰۴۹	۴۲۷۸	۲۱۷۰	۲۱۰۸	۱۰۳
۱۹-۱۰	۳۰۴۴	۱۷۲۱	۱۳۲۳	۶۹۰۰	۳۵۷۳	۳۳۲۷	۱۰۷
۲۹-۲۰	۳۵۷۲	۱۹۳۱	۱۶۴۱	۱۱۲۶۳	۷۱۷۳	۴۰۹۰	۱۷۵
۳۹-۳۰	۱۴۶۲	۹۰۳	۵۵۹	۴۵۹۶	۲۶۹۲	۱۹۰۴	۱۴۱
۴۹-۴۰	۵۷۸	۳۶۵	۲۲۲	۱۶۱۶	۹۵۲	۶۶۴	۱۴۳
۵۹-۵۰	۳۸۴	۲۲۲	۱۶۲	۵۵۴	۳۴۶	۲۰۸	۱۶۶
+۶۰	۲۶۶	۱۴۱	۱۲۵	۵۰۰	۲۷۲	۲۲۸	۱۱۹
نامشخص	۲۴	۱۲	۱۲	۱	۱	۰	۰

(منبع: طرح عمران و توسعه (جامع) شهر کاشان ۱۳۸۹، مهندسان مشاور نقش جهان)

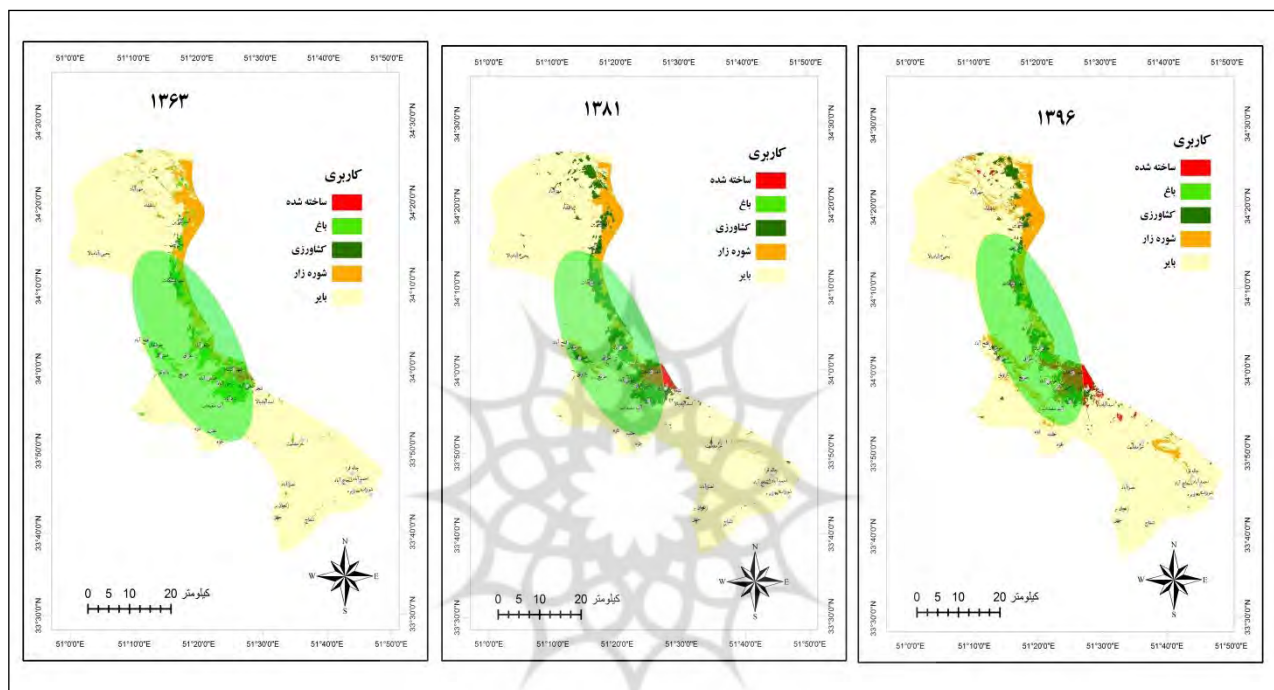
(رادیو و تلویزیون) و افراد مطلع محلی استفاده می‌کنند و در این میان مروّجین کشاورزی از جایگاه بسیار ضعیفی برخوردارند؛ چنانچه تعداد افرادی که از کلاس‌های آموزشی و ترویجی جهاد کشاورزی استفاده کرده‌اند، از ۳۲۰ نفر حدود ۵ نفر بوده که آمار بسیار پایینی را نشان می‌دهد. درباره استفاده از روش نوین آبیاری و میزان آگاهی از روش‌های نوین مبارزه با آفات کشاورزی، ۱۸۱ نفر از پاسخ‌دهندگان گزینه کم و خیلی کم را در رابطه با روش‌های نوین آبیاری و ۱۶۶ نفر گزینه کم و خیلی کم را در رابطه با شیوه‌های نوین مبارزه با آفات کشاورزی انتخاب کردند؛ در نتیجه، سطح برخورداری روستاییان از دانش روز چندان مطلوب نیست. البته بی‌علاقگی و احساس نیاز جوامع روستایی به عنوان عامل درونی و ضعف همکاری و پیگیری نهادهای مربوط، از جمله عوامل مؤثر در پایین بودن میزان آگاهی جوامع روستایی از دانش روز است؛ اما در رابطه با بهره‌مندی روستاییان از وسایل و لوازم خانگی وضعیت به گونه‌ای دیگر مطرح است: از ۳۰ مورد لوازم و ابزار خانگی مشخص شده در پرسشنامه خانوار روستایی تحقیق، مشخص شد در سال ۱۳۵۵ به‌طور متوسط ۹ وسیله و در سال ۱۳۹۵ از ۳۰ وسیله مشخص شده، به‌طور متوسط ۲۰ وسیله جدید مورد استفاده روستاییان قرار گرفته است. از این لوازم خانگی می‌توان به تلویزیون ال‌سی‌دی، ویدیو سی‌دی، ماهواره، جارو برقی، اجاق گاز فردار و فرش ماشینی

همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، از ۳۲۰ نفر جامعه آماری پاسخگو به پرسشنامه خانوار روستایی این پژوهش، روزانه ۲۴۵ نفر برای کار به شهر کاشان مهاجرت می‌کنند که در این ارتباط روستاهای مورد مطالعه به عنوان تأمین‌کننده بخشی از نیروی کار بخش صنعت و خدمات شهر کاشان (عامل بیرونی)، عملکرد خوابگاهی و پشتیبانی به خود گرفته‌اند. از عوامل مؤثر در تبدیل این روستاها به محیط پشتیبان برای مجموعه عملکردهای شهر کاشان، می‌توان به افزایش چشمگیر خدمات خصوصی از قبیل مغازه‌های خواروبارفروشی و خدمات دولتی از قبیل خدمات آموزشی، انتظامی و ارتباطی اشاره کرد. علاوه بر این، بهره‌مندی تقریباً همه روستاها از جاده آسفالت و برق و دیگر تأسیسات زیربنایی، از مواردی هستند که به عنوان مجموعه سیاست‌ها و تصمیمات بیرون از روستاها نقش بسیار مهمی در تحولات اجتماعی- فرهنگی روستاهای بخش مرکزی شهر کاشان داشته است. از دیگر تحولات ساختار اجتماعی- فرهنگی در روستاها، سطح برخورداری روستاییان از دانش روز به خصوص دانش نوین کشاورزی است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، ۲۹۸ نفر از ۳۲۰ نفر جامعه آماری تحقیق، از رایانه و اینترنت استفاده نمی‌کنند و تنها از این ابزارها در جهت پرداخت قبوض خانگی بهره می‌برند. علاوه بر این درصد بالایی از پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند، بیشتر از رسانه‌های صوتی و تصویری

فعالیت‌های تولیدی روستایی نقشی ندارند و یا فعالیت آن‌ها در حد محدود به تولید فرش دستبافت خانگی یا مشارکت در تولید عصاره گیاهی به‌ویژه تولید گلاب منحصر بوده است.

اشاره کرد. با توجه به تغییر ذائقه سبک زندگی و تغییراتی که در اشتغال روستاها رخ داده، میزان مشارکت زنان و کودکان نیز در فعالیت‌های روستایی کمتر شده، چنانچه از ۳۲۰ نفر که مورد پرسش قرار گرفته‌اند، ۱۳۸ نفر اظهار داشتند که زنان در

شکل ۳. پراکندگی جمعیت روستاها طی دوره آماری ۱۳۶۵-۱۳۹۵ براساس شاخص توزیع جهت‌دار



(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

### ج - عوامل و نیروهای اقتصادی

بازار کار و نیز افزایش مشارکت زنان در بازار کار، می‌تواند نگرانی تعمیق شکاف عرضه و تقاضای نیروی کار و در نتیجه افزایش نرخ بیکاری به‌ویژه در مناطق شهری را تشدید کند. همچنین شاهد افزایش سطح زیرکشت تولید محصولات کشاورزی طی دوره ۴۰ ساله از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ در ناحیه هستیم. چنانچه سطح زیرکشت محصولات زراعی از ۸۷۴۴ هکتار در سال ۱۳۵۵، به ۱۶۱۲۵ هکتار در سال ۱۳۹۰ افزایش پیدا کرد. از دیگر تحولات ناحیه، کاهش تعداد افراد بهره‌بردار به‌عنوان جزئی از نظام تولید در روستاهای مورد مطالعه (از ۱۲۰۱ نفر در سال ۱۳۵۵، به ۹۸۸ نفر در سال ۱۳۹۵) است که نشانه تأثیر و نقش زارعان غایب از روستاها و ساکن در شهر کاشان (عامل بیرونی) است. در واقع این افراد جریان سود حاصل از

شناخت ویژگی‌های ساختار اقتصادی سکونتگاه‌های انسانی در کنار ساخت محیطی - اکولوژیکی، بخش مهمی از فرایند شناخت فضاهای سکونتگاهی و برنامه‌ریزی برای توسعه آن است. بررسی روند تغییرات بازار جمعیت فعال روستاهای بخش مرکزی در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که این بخش به‌لحاظ خلق فرصت‌های شغلی در مقایسه با استان اصفهان و کل کشور به شکل موفق تری عمل کرده که خود بیانگر وجود ظرفیت‌های مناسب اقتصادی در این منطقه است. در عین حال نباید از خاطر دور داشت که در همین مدت جمعیت فعال (عرضه نیروی کار) در شهر کاشان با سرعت بالایی در حال افزایش بوده که با در نظر گرفتن ورود زود هنگام جمعیت بالقوه فعال به

فعالیت‌های زراعی بیشتر بوده که لزوم ایجاد صنایع تبدیلی در منطقه را شایسته توجه و بررسی می‌سازد. علاوه بر این، زمینه مناسبی برای گسترش فعالیت‌های کندو داری در حوزه نفوذ وجود دارد که تا حد زیادی به وجود باغات گل در این منطقه مربوط می‌شود. این عوامل و نیروها بنا به ماهیت خود، تا حد زیادی نه تنها در راستای کارکردهای اساسی اجتماع انسانی برآورنده نیازها و تقاضاهای جماعت‌های روستایی به شمار می‌روند؛ بلکه به صورت تنگاتنگی با سایر عوامل و نیروهای موجد سکونتگاه‌ها اعم از عوامل محیطی و غیر آن در ارتباط قرار می‌گیرند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۹۵). به لحاظ ساختار اقتصادی، طی ۴۰ سال گذشته از ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵، تعداد شاغلان روستاهای بخش مرکزی کاشان از ۲۴۶۵ به ۴۱۲۵ نفر افزایش یافته است. اگرچه فعالیت غالب روستاییان منطقه نوعی اقتصاد مخلوط مرکب از زراعت (روستاهای دشتی) و باغداری (روستاهای پایکوهی) است؛ اما فعالیت‌های دیگری از جمله فرش‌بافی، گلابگیری و... تأمین‌کننده بخش‌هایی از درآمد برخی از خانوارهای روستایی منطقه است. از نظر طبقه‌بندی، بیش‌ترین سهم فعالیت‌های اقتصادی ناحیه به بخش‌های صنعت و خدمات در منطقه تعلق دارد. با توجه به کاهش تعداد افراد شاغل در بخش کشاورزی و خیل مهاجرت افراد به شهر کاشان، تعداد بسیاری از روستاییان در بیرون از روستا اشتغال دارند. نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد از ۳۲۰ نفر از خانوارهای روستایی این تحقیق، ۱۲۴ نفر در بخش کشاورزی (باغداری و زراعت) و ۱۸ نفر به فعالیت‌های غیر از کشاورزی اشتغال داشتند و از این تعداد ۱۷۸ نفر در بیرون از روستاها و عموماً در شهر کاشان مشغول به فعالیت بودند. بدین‌سان در اثر تحولات اقتصادی تعداد افراد شاغل در بخش کشاورزی با کاهش و تعداد افراد شاغل در بخش خدمات و صنعت رو به افزایش بوده است. صنعت رو به افزایش وجود اراضی قابل کشت در منطقه، نشان از رونق این فعالیت در گذشته دارد. در واقع هم‌اکنون فعالیت‌های کشاورزی ناحیه جنبه تکمیلی و حاشیه‌ای دارد.

فعالیت‌های زراعی را به خارج از محیط روستاها منتقل کرده و زمینه‌های ناپایداری ساختاری- کارکردی ناحیه را فراهم می‌کنند که این خود نشان از نوعی پیوند تنگاتنگ و غیرقابل انکار ساختار فضای محیط طبیعی با سایر عوامل و نیروهای موجد سکونتگاه‌هاست. همچنین نرخ رشد منفی جمعیت فعال در مناطق روستایی در مقابل رشد نسبتاً بالای جمعیت فعال در مناطق شهری بیان‌کننده مهاجرت این جمعیت از مناطق روستایی به مناطق شهری است. با توجه به وجود عامل درونی بیکاری پنهان در مناطق روستایی و عامل بیرونی تغییر تکنولوژی تولید در فعالیت‌های کشاورزی از کاربر به سرمایه‌بر می‌توان انتظار داشت که روند یادشده در آینده نیز ادامه داشته باشد.

با اتکا به توزیع شاغلان در فعالیت‌های مختلف می‌توان ادعا کرد که نقش غالب در حیات اقتصادی حوزه نفوذ به بخش صنعت، معدن و ساختمان با محوریت فعالیت صنعت ساخت تعلق داشته است. این امر در مقیاس بالاتر تولید در کارگاه‌های صنعتی حوزه نفوذ مستقیم شهر کاشان نیز مستتر بوده است. در عین حال روند رو به رشد شاغلان در فعالیت‌های خدماتی نشان می‌دهد که گسترش این‌گونه فعالیت‌ها در رقابت با فعالیت‌های بخش صنعت، معدن و ساختمان جهت‌گیری آنی وضعیت اقتصادی حوزه نفوذ شهر کاشان را ترسیم می‌کند. در این میان گسترش فعالیت‌های واسطه‌گری مالی، حقوقی و ملکی به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای رشد و توسعه اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این رشد قابل‌ملاحظه شاغلان فعالیت‌های بازرگانی، هتل‌داری و رستوران نیز ظرفیت‌های بالقوه حوزه نفوذ در خصوص گسترش فعالیت‌های گردشگری را تأیید می‌کند. سهم پایین شاغلان فعالیت‌های بخش کشاورزی نشان می‌دهد که این بخش نقش قابل‌ملاحظه‌ای در حیات اقتصادی حوزه نفوذ ایفا نمی‌کند. این امر در شاخص‌هایی نظیر وسعت بهره‌برداری‌های کشاورزی و دامپروری نیز تا حدود زیادی انعکاس داشته است. در این میان اقبال کشاورزان به فعالیت‌های باغداری در مقایسه با

بخش کشاورزی بسیار پایین است. میزان درآمد شاغلان بخش صنعت و شاغلان دولتی، بسیار بهتر از سایر بخش‌هاست. با توجه به موارد مذکور، جریان پول و سرمایه از بخش صنعت و خدمات، از خارج روستا به داخل و از بخش کشاورزی به خارج از روستا صورت می‌پذیرد؛ البته درباره سایر روابط پولی و سرمایه‌ای روستاییان وضع به همین منوال است؛ به طوری که روستاییان بخش بزرگی از سرمایه‌گذاری‌های خود را صرف خرید لوازم خانگی، زمین، مسکن، مغازه و اتومبیل می‌کنند. درباره پرسش پس‌انداز در بانک‌ها نیز، ۱۸۵ نفر از پاسخگویان اذعان داشته‌اند مبادرت به پس‌انداز بانکی کرده‌اند.

افزون بر این‌ها طی دوره یادشده، تعدادی از افراد دو شغله بوده‌اند؛ یعنی افرادی که در کنار کار کشاورزی به فعالیت‌های دیگر اشتغال داشتند. تعداد این افراد ۱۵۲ بوده است؛ بنابراین با توجه به موارد یادشده، تحولات درونی اشتغال روستاییان پیرامون شهر کاشان بیشتر ناشی از تغییر عملکرد عامل بیرونی یعنی تحولات رخ داده در شهر کاشان است. براساس داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه، درآمد هر خانوار شاغل در بخش کشاورزی به‌طور متوسط طی سال ۱۳۹۵ معادل ۱۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال است که در مقایسه با هزینه‌های خانوار که به‌طور متوسط ۲۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال است، تناسبی وجود ندارد. در مقایسه خانوارهای شاغل در بخش کشاورزی و صنعت، وضعیت شاغلان

جدول ۴. مشخصات اشتغال در سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی کاشان

ردیف	نوع اشتغال	تعداد	محل کار
۱	زراعت و باغداری	۱۲۴	داخل روستا
۲	فرشافی، گلابگیری و...	۱۸	داخل روستا
۳	غیرکشاورزی	۱۷۸	خارج از روستا
	مجموع	۳۲۰	

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

#### د- عوامل و نیروهای کالبدی

ماهواره‌ای در دسترس در طول دوره مورد مطالعه به دست آمده است. براساس داده‌های جدول مذکور، در سال ۱۳۶۳ میزان اراضی انسان‌ساخت منطقه، ۸۵۱ هکتار محاسبه شده که این رقم در سال ۱۳۸۱ به میزان ۲۹۴۰ هکتار و در سال ۱۳۹۶ به ۶۹۹۵/۷۵ هکتار افزایش می‌یابد. بدین ترتیب طی دوره مذکور ۶۱۴۴/۷۵ هکتار از اراضی بخش مرکزی کاشان به اراضی انسان‌ساخت تغییر کاربری داده‌اند. آنچه که مورد توجه است افزایش سطح زیر کشت اراضی زراعی است که از ۲۹۱۰/۸ هکتار در سال ۱۳۶۳ به ۱۱۳۱۴/۸ هکتار در سال ۱۳۹۶ افزایش پیدا کرد. درمقابل این امر وضعیت اراضی باغی متفاوت است، زیرا سطح زیر کشت اراضی باغی در سال ۱۳۶۳ از ۱۱۰۴۲/۷ هکتار به ۶۲۱ هکتار در سال ۱۳۹۶ کاهش پیدا کرده است. درباره اراضی بایر نیز کاهش ۸۶۷۶ هکتاری را طی دوره مورد مطالعه می‌توان مشاهده کرد. علاوه بر این، ۱۸۸۶۴ هکتار از اراضی منطقه از

عوامل کالبدی یکی از عواملی است که در کنار مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... می‌تواند در نحوه استقرار و تمرکز جمعیت و فعالیت در یک منطقه، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. این عامل می‌تواند از طریق عناصر طبیعی یا مصنوعی، تأثیر خود را بر استقرار مراکز جمعیتی و فعالیت بگذارد. به عبارت دیگر، ساختار کالبدی نقش قابل توجه‌ای در گسترش روابط و ترغیب فعالیت‌های اقتصادی (کارکردهای) سکونتگاهی دارد. بر این اساس، مهم‌ترین نمود تحولات ناحیه که تا حد زیادی در نوع و دامنه فعالیت‌های اقتصادی منطقه اثرگذار بوده، تغییر و تبدیل کاربری اراضی زراعی و باغی به سایر کاربری‌ها به خصوص کاربری‌های صنعتی- تولیدی و مسکونی (انسان‌ساخت) است. جدول (۵) تغییرات کاربری اراضی در دوره‌های مورد مختلف، در سطح بخش مرکزی کاشان را نشان می‌دهد که از پردازش تصاویر

برون شهری بخش مرکزی دو قطب اقتصادی کشور یعنی اصفهان و تهران را به یکدیگر متصل می‌کند. شهرک صنعتی امیرکبیر، شهرک قطب راوند و ماشین‌سازی سایپای کاشان، فرودگاه کاشان و نیروگاه هسته‌ای، در نزدیکی این راه‌های ارتباطی بارگذاری شده‌اند که نقش چندانی در گسترش عملکردهای محلی و ناحیه‌ای روستاهای محدوده بر عهده ندارند. الگوی محور ارتباطی کاشان به صورت الگوی تار عنکبوتی است؛ بدین معنی که همه راه‌های ارتباطی ناحیه به یکدیگر متصل هستند و همه روستاها دارای راه آسفالت‌ه هستند.

سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۹۶ به اراضی شور تغییر کاربری داده‌اند. از جمله عناصر کالبدی دیگر منطقه که تأثیر مستقیمی در تمرکز و جابه‌جایی جمعیت ناحیه داشته است، محورها و شبکه‌های ارتباطی هستند. در شهرستان کاشان اغلب تأسیسات، واحدهای تولیدی صنعتی عمدتاً در حاشیه شاهراه اصلی تهران- کاشان- جنوب، استقرار یافته‌اند؛ اگرچه این محور از نظر عملکردی نقشی در پیوندهای شهری- روستایی ناحیه ندارد؛ ولی می‌توان به عنوان یک نیروی کالبدی که در جذب جمعیت و فعالیت‌ها در ناحیه نقش مؤثری داشته است، نام برد. در واقع راه‌های ارتباطی

جدول ۵. مساحت کاربری‌ها طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۱-۱۳۶۳ در بخش مرکزی کاشان (هکتار)

تغییرات	۱۳۹۶	۱۳۸۱	۱۳۶۳	سال کاربری
۶۱۴۴٫۷۵	۶۹۹۵٫۷۵	۲۹۴۰	۸۵۱	انسان‌ساخت
-۱۰۴۲۱٫۷	۶۲۱	۲۵۲	۱۱۰۴۲٫۷	باغ
۸۴۰۴	۱۱۳۱۴٫۸	۱۵۹۰۲٫۳	۲۹۱۰٫۸	زراعت
۵۸۸۵	۱۸۸۶۴	۱۱۰۰۷٫۵	۱۲۹۷۹	شوره‌زار
-۸۶۷۶	۱۷۲۱۳۶	۱۷۸۵۲۵٫۸۵	۱۸۰۸۱۲	بایر

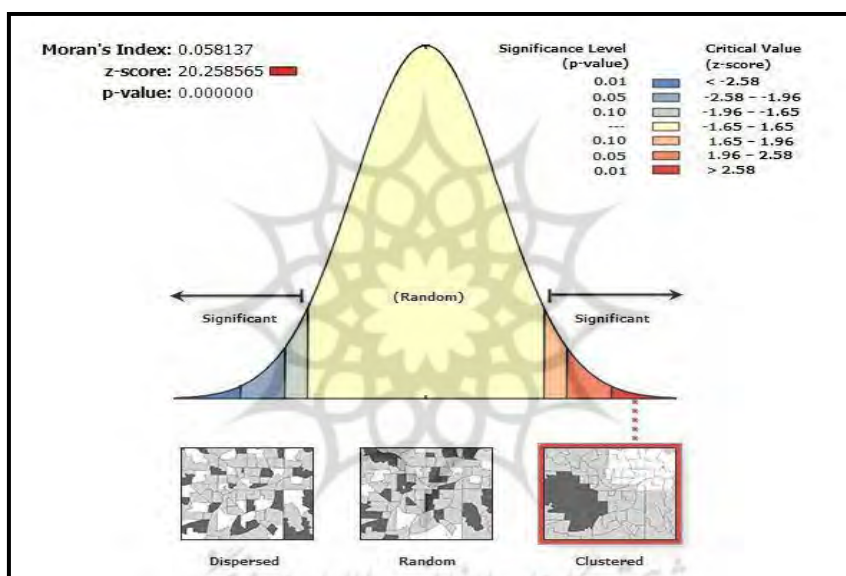
(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

۹۸ واحد از مصالح بتون آرمه و ۲۴ واحد از آجر و چوب و خشت و گل ساخته شده‌اند که شاهد تغییر در نوع مصالح مورد استفاده در ساخت و مرمت واحدهای مسکونی هستیم. طی دوره ۴۰ ساله مورد مطالعه، متوسط مساحت واحدهای ساختمانی نیز به سمت واحدهای با متراژ ۲۰۰-۱۵۰ متر افزایش یافته است. به سبب همین کاهش متراژ واحدهای مسکونی، تعداد فضابندی درونی واحدهای مسکونی نیز کاهش یافته است؛ چنانچه ۱۲۴ واحد در حال حاضر با ۵ فضا بیش‌ترین فراوانی و ۸۹ واحد در گذشته با ۸ فضا بیش‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. تقلید شیوه زندگی شهری و تغییر اشتغال ساکنان روستایی به عنوان عوامل درونی، نقش بسیار مؤثری در تغییر فضابندی و مسکن روستاییان ناحیه داشته است. پس اولین تغییر کالبدی در الگوی مسکن با کاهش مساحت کل و زیربنای مسکن روستاها خود را نشان می‌دهد که از این طریق زمینه‌های حذف برخی از

براساس شاخص میانگین نزدیک‌ترین همسایه نیز محورهای ارتباطی ناحیه از الگویی خوشه‌ای برخوردار هستند (شکل ۲). روستاهای ناحیه به صورت میانگین ۸ کیلومتر با هم فاصله دارد و میانگین فاصله با شهرهای پیرامون روستاهای ناحیه ۳۴ کیلومتر است و همچنین فاصله تا مرکز بخش نیز به صورت میانگین در بین روستاهای نمونه ۱۹ کیلومتر است. از دیگر تحولات ساختار کالبدی منطقه، تغییرات کمی و کیفی واحدهای مسکونی در روستاهای مورد مطالعه است که تعداد واحدهای مسکونی از ۲۵۶۸ واحد در سال ۱۳۵۵ به ۳۴۱۱ واحد در سال ۱۳۹۵ افزایش می‌یابد. به تبع افزایش تعداد واحدهای مسکونی، شاهد افزایش بنگاه‌های معاملات املاک از ۱۱ باب در سال ۱۳۷۵ به ۳۲ باب در سال ۱۳۹۵ هستیم. شکل و الگوی مسکن نیز در دوره مذکور تغییرات زیادی داشته است. مسکن جدید با الگوی شهری ساخته می‌شوند، از کل ۳۲۰ واحد مسکونی این تحقیق ۲۰۸ واحد از آهن و آجر و

عمل نکرده است، موفق نبوده‌اند. ساخت‌وسازهای بی‌رویه در کنار معابر اصلی روستاها و افزایش قیمت زمین طی ۴۰ سال اخیر (۱۳۹۵-۱۳۵۵) موجب ایجاد نوعی الگوی استقرار خطی در بیش‌تر روستاهای ناحیه شده است. در شکل شماره (۴) توزیع شبکه‌های دسترسی در سطح بخش مرکزی کاشان را با استفاده از شاخص موران مشاهده می‌کنیم. شاخص موران عدد  $20/258137$  و امتیاز استاندارد شده  $Z$  عدد  $20/258137$  را نشان می‌دهد که نشان از پراکنش مساحت شبکه معابر ناحیه به‌صورت خوشه‌ای است (جدول ۶).

کاربری‌ها چون طویل، انبار علوفه و محصولات را فراهم آورده است (سعیدی، ۱۳۸۸: ۲۲۵). طی سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۹۵ توسط بنیاد مسکن برای ۲۵ روستای بخش مرکزی کاشان طرح هادی تهیه شده است؛ از این رو بیشتر معابر اصلی این روستاها تعریف شده، ولی معابر فرعی و بخش‌هایی از این روستاهای غیرمجاز مورد ساخت‌وساز قرار گرفته‌اند و هنوز معابر نامنظم، تنگ و کم‌عرض دارند؛ در نتیجه تهیه طرح‌های هادی روستاها به‌عنوان یک عامل بیرونی به دلیل اینکه با عوامل و نیروهای درونی مؤثر، همگام و هماهنگ



شکل ۴. الگوی توزیع فضایی محورهای ارتباطی بخش مرکزی کاشان براساس آماره موران (منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

جدول ۶. نتایج تحلیل آماره موران در توزیع فضایی محورهای ارتباطی بخش مرکزی کاشان

۰/۰۵۸۱۳۷	شاخص موران
۰/۰۰۰۱۷۹	شاخص مورد انتظار
۰/۰۰۰۰۰۸	واریانس
۲۰/۲۵۸۵۶۵	امتیاز استاندارد شده (Z)
۰/۰۰۰۰۰	p-value

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

کارکردی تأثیر می‌پذیرند، از عوامل و نیروهای محیط نظام در ابعاد مختلف محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی که در ارتباط با سایر نظام‌ها هستند نیز متأثر می‌شوند؛ بنابراین میان سکونتگاه‌های روستایی و شهری منطقه، یک نوع پیوستگی نظام‌وار حاکم است و

مباحث مطرح‌شده درباره عوامل و نیروهای مؤثر در تحولات کالبدی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی و شهری بخش مرکزی کاشان در ابعاد مختلف نشان می‌دهد، فعالیت‌ها و ارتباطات نظام سکونتگاهی در ناحیه، علاوه بر اینکه از قابلیت‌های ساختاری و

فضایی سکونتگاه‌های بخش مرکزی کاشان را نشان می‌دهد.

برای توسعه روستایی- شهری در ناحیه، تحول ساختاری- کارکردی الزامی است. جدول (۷) عوامل و نیروهای درونی و بیرونی مؤثر در تحولات کالبدی-

جدول ۷. عوامل و نیروهای مؤثر در تحولات کالبدی- فضایی سکونتگاه‌های بخش مرکزی کاشان

عوامل و نیروهای درونی و بیرونی	ابعاد	عوامل
	ابعاد اجتماعی- فرهنگی	طرح‌ها و سیاست‌ها، مشارکت، اشتغال زنان و کودکان، افزایش جمعیت، تغییرات جمعیتی، میزان مراجعه به مراکز فرهنگی و مسافرت افراد
	ابعاد محیطی- اکولوژیک و کالبدی	تغییر کاربری اراضی تغییر ساخت‌وسازها، شبکه معابر، تعداد مسکن و نوع آن، منابع آب، میزان آلاینده‌ها و تأسیسات زیربنایی
	ابعاد اقتصادی	تغییر در ارضی کشاورزی، خدمات، اشتغال و قیمت‌ها

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شهر کاشان است. در اثر همین عامل بهره‌برداری بیش از حد از چاه‌های عمیق، دشت کاشان از سوی مسئولان مربوط به‌عنوان دشت ممنوعه اعلام شده است. از پیامدهای دیگر تحولات محیطی- اکولوژیک، تغییرات کاربری اراضی زراعی به کاربری‌های دیگر است. از عوامل درونی مؤثر در تغییر کاربری زراعی، نیاز جوامع روستایی به مسکن است؛ ولی در این میان نقش عوامل و روندهای بیرونی بسیار بیشتر از عوامل درونی بوده و احداث واحدهای صنعتی تولیدی، احداث شهرک‌های صنعتی (امیرکبیر ۱ و ۲) و برداشت مصالح ساختمانی و دپوی نخاله‌های ساختمانی از نشانه‌های عمده تغییر کاربری توسط عوامل و روندهای بیرون از روستاست. از بُعد کالبدی، محورهای ارتباطی برون‌شهری از نظر عملکردی نقشی در پیوندهای شهری- روستایی ناحیه ندارند؛ ولی به‌عنوان یک نیروی کالبدی، در جذب جمعیت و فعالیت‌ها در ناحیه نقش مؤثری داشته‌اند. همچنین شاهد افزایش تعداد ساخت واحدهای مسکونی بدون مجوز با مصالح کم‌دوام در روستاهای ناحیه هستیم. تعداد فضا‌بندی‌های درونی این واحدها به مراتب کمتر از گذشته بوده که نشان از تحول نوع اشتغال و فرهنگ حاکم بر خانواده‌هاست. در روستاهایی که طرح‌های هادی در آن‌ها اجرا شده است، در برخی روستاها شاهد معابر تنگ و باریک و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در آن‌ها

امروزه روستاها به‌عنوان یک نظام مکانی- فضایی پویا پیوسته در حال تغییر هستند. این تغییرات نه تنها تحت تأثیر نیروها و روندهای درونی این نظام است، بلکه ضمناً از نیروها و روندهای بیرونی که از سایر واقعیت‌های مکانی- فضایی نشأت می‌گیرد، تأثیر می‌پذیرد. در واقع، عوامل و نیروهای درونی و بیرونی، هر یک در بستر زمان به شکلی در روند تحولات کالبدی- فضایی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها تأثیر گذاشته است. شهر کاشان، با توجه به موقعیت مهم ارتباطی آن به‌عنوان یک عامل مهم بیرونی، نظام سکونتگاهی روستایی پیرامون خویش را تحت تأثیر قرار داده است. این شهر در جهت توسعه شهرک‌های کارگاهی، صنایع تولیدی و مولد و نیز اسکان سرریز جمعیت خود به توسعه فیزیکی دست زده است؛ بنابراین در وهله اول شاهد تغییر کاربری اراضی زراعی روستاهای پیرامون هستیم؛ به‌طوری که خزش توسعه فیزیکی شهر به‌عنوان عامل بیرونی، دگرگونی‌هایی را برای ساکنان روستایی در چهار عرصه محیطی- اکولوژیک، کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی به‌دنبال داشته است. در عرصه محیطی- اکولوژیک، شاهد کاهش سطح زیرکشت محصولات کشاورزی و تعداد بهره‌برداران روستایی و افزایش تعداد بهره‌بردارانی هستیم که محل سکونت اصلی آن‌ها در

هستیم که حتی در برخی روستاها الگوی کلی کالبدی آن‌ها به تبعیت از معابر اصلی از کانونی، به خطی در حال تبدیل است. همان‌طور که اشاره شد، جمعیت این روستاها در دوره ۴۰ ساله (۱۳۹۵-۱۳۵۵) کند بوده و رشدی معادل با ۱,۸۲ درصد را تجربه کرده‌اند. در اینجا می‌توان گفت که نقش عوامل و نیروهای درونی و بیرونی تقریباً یکسان عمل کرده است؛ به‌طوری که نمی‌توان محدودیت منابع آب و خاک را به‌عنوان عوامل درونی از یک طرف و سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی را به‌عنوان عوامل بیرونی در ماندگاری جمعیت روستایی نادیده گرفت. اگرچه در روستاهای مورد مطالعه اجرای برنامه‌ها و ارائه خدمات بهداشتی، دسترسی‌ها در بهبود و دگرگونی اثر مثبتی داشته است، ولی جریان ایده‌ها و اطلاعات هنوز در این روستاها مناسب نیست؛ به‌طوری که تعداد افرادی که از سواد اینترنتی و روش‌های نوین کشاورزی آگاهی دارند، بسیار کم است؛ یعنی به اندازه‌ای که روندها و نیروهای بیرونی در بالا بردن سطح برخورداری از وسایل و لوازم جدید زندگی در روستاها موفق بوده‌اند، در بالا بردن سطح آگاهی و دانش روز موفق عمل نکرده‌اند. نتایج بررسی دگرگونی اقتصادی در روستاهای بخش مرکزی شهر کاشان نشان می‌دهد، شاغلان روستایی طی دوره مذکور تمایل به اشتغال در بخش خدمات پیدا کرده‌اند و تعداد شاغلان در بخش کشاورزی کاهش و تعداد افراد دو شغله در این مدت افزایش پیدا کرده است. طی مدت یادشده، در اثر عوامل و نیروهای بیرونی یعنی واسطه‌ها و دلال‌های زمین‌خوار، قیمت زمین و اجاره‌بها چندین برابر شده که بیشتر سود حاصل از این عمل به خارج از محیط روستاها منتقل شده و جوامع روستایی از آن بی‌بهره مانده‌اند. علاوه بر این، در بین خانوارهای شاغل در بخش کشاورزی و خدمات، تناسبی بین درآمد و تولید و هزینه آن دیده نشد که نشان از عدم تناسب در روابط و جریان‌های حاکم بین شهر کاشان و روستاهای پیرامون آن دارد.

براساس برآیند تأثیرات ناشی از تحولات کالبدی-فضایی، آنچه درباره سکونتگاه‌های ناحیه قابل توجه است، این مسأله است که تأثیرات ناشی از تحولات مذکور در همه روستاهای ناحیه به یک اندازه نبوده و نیست. بدین ترتیب روستاهای مورد مطالعه را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: دسته اول روستاهایی که در مسیر تغییر و تحولات مثبت قرار گرفته‌اند و توانسته‌اند علی‌رغم تضعیف برخی از جنبه‌های مثبت سابق، در بسیاری از زمینه‌های دیگر دست به توسعه بزنند و به یک کانون زیستی پررونق تبدیل شوند؛ مانند فین، خزاق، طاهرآباد، جوشقان، آبشیرین و سن‌سن. این روستاها همگی روستاهایی را شامل می‌شوند که از نظر دسترسی به شهر در وضعیت نامناسبی قرار داشته‌اند. دسته دوم مشتمل بر روستاهایی است که اگرچه نتوانسته‌اند به جایگاه روستاهای اول دست یابند، ولی دارای رشد قابل قبولی بوده و در حال رشد و گسترش تدریجی‌اند که شامل روستاهای لحر، حسن‌آباد، فین، صفی‌آباد، آب‌سفیدآب می‌شوند. این روستاها از نظر دسترسی، از وضعیت نسبتاً مناسبی نسبت به شهر برخوردار هستند؛ اما پاره‌ای از عوامل و نیروها باعث شده که این روستاها نتوانند آنچنان که باید دست به رشد و توسعه بزنند؛ مانند روستای اسدآباد که گسترش فضاهای صنعتی را می‌توان در این امر دخیل دانست. گروه سوم روستاهایی است که ضمن تغییر و تحولات مثبت در برخی زمینه‌ها نتوانسته‌اند آنچنان که باید و شاید رشد و گسترش یابند و همچنان با رشدی بسیار کند به حیات خود ادامه می‌دهند؛ مانند روستای استرک که دقیقاً در همجواری آن سکونتگاه‌های بزرگ‌تر و خدمات و امکانات بیشتر وجود دارد. گروه چهارم نیز در برگیرنده روستاهایی است که نتوانسته‌اند در مسیر و فرایند توسعه قرار گیرند و در حال حاضر نیز روبه زوال و نابودی می‌روند و حتی انتظار می‌رود تا دهه‌های آتی بسیار ضعیف‌تر و حتی خالی از سکنه شوند. این دسته شامل روستاهای احمدآباد، توکل‌آباد و تقریباً بیشتر روستاهای دهستان خرم‌دشت می‌شود. طبقه‌بندی فوق که براساس



- توجه به مسائل زیست‌محیطی روستاهای مورد مطالعه و جلوگیری از استقرار تأسیسات شهری در اراضی مستعد کشاورزی این روستاها.

- برنامه‌ریزی در راستای تقویت سنت‌های ارزشمند و همیاری سنتی و جلوگیری از نابودی این سنت‌ها.

در پایان خاطر نشان می‌شود، چنانچه بتوان پیوندهای و جریان‌های موجود بین کانون‌های مختلف فضایی اعم از شهری و روستایی را به‌درستی مورد شناسایی قرار داد و روند آتی جریان‌های مختلف آن‌ها را با توجه به چشم‌اندازهای منطقه‌ای، ملی و جهانی، به‌نحوی مناسب ترسیم کرد، می‌توان امیدوار بود که سیاست‌های مناسب توسعه منطقه‌ای در دستور کار قرار گیرد (سعیدی، ۱۳۸۷: ۵۰۴). از لحاظ نظری، تحقق این‌گونه جریان‌ها در بستر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، با تنوع و تقویت اشتغال در محیط‌های روستایی همراه است (سعیدی و سلطانی، ۱۳۸۳: ۳۶).

### منابع

- سازمان آب منطقه‌ای استان تهران، (۱۳۸۰).
- سعیدی، عباس و سلطانی، ریحانه (۱۳۸۳) نقش پیوندهای کلانشهری در تحول کالبدی- فضایی روستاهای پیرامونی: نمونه: روستای حصار در حوزه کلانشهر مشهد، مجله جغرافیا صاحب امتیاز انجمن جغرافیایی ایران، سال دوم پاییز و زمستان ۳۸۳ شماره ۳.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۴)، ناکارآمدی ساختاری- عملکردی نظام‌های فضایی ناحیه‌ای (مورد: ناحیه باغملک، شرق خوزستان)، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، صاحب امتیاز دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳، شماره ۵، صص ۶۰-۴۱.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۷)، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، و سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۸)، مبانی جغرافیای روستایی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۰)، ارزیابی مکانی- فضایی رویکردهای توسعه و تحول سکونتگاههای روستایی؛ مجموعه مقالات

واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستاهای مذکور صورت گرفته است، نشان می‌دهد که تأثیر تعامل روستا- شهری یا تأثیرات حاصل از عامل بیرونی شهر بر روستاها در جاهای مختلف به صورت‌های گوناگونی ظهور و بروز می‌یابد. به عبارت دیگر، هر فضای جغرافیایی دارای مجموعه‌ای از شرایط و عوامل است و همین شرایط و عوامل‌اند که در نهایت تعیین‌کننده این واقعیت خواهند بود که تأثیرات ناشی از شهر و تعامل روستا- شهری در راستای رشد و توسعه سکونتگاه روستایی یا در جهت تضعیف آن عمل می‌کند؛ به طوری که در روستاهای مورد مطالعه نیز شاهد چنین فرایندی بوده‌ایم. در جهت پاسخ به سؤال دوم پژوهش و با توجه به تحولات کالبدی- فضایی روستاهای مورد مطالعه در راستای بهبود تعامل آن‌ها با شهر کاشان و ساماندهی رشد و توسعه در این محیط‌های روستایی، به ارائه پیشنهادهایی در این زمینه می‌پردازیم. امید است مورد توجه مسئولان و متولیان امر برنامه‌ریزی، هم در سطوح کلان و هم در سطح محلی قرار گیرد.

- توجه جدی به روستاهای پیرامون شهر، در طرح هادی توسعه‌ای مربوط به شهر و همچنین در نظر گرفتن مناسبات و تعامل این روستاها با شهر در طرح‌های روستایی، با توجه به تأثیرگذاری قابل توجه این روستاها بر حیات شهر و نیز تأثیرپذیری شدید آن‌ها از شرایط حاکم بر شهر.

- بسترسازی‌های لازم برای ساماندهی اقتصادی روستاهای مورد مطالعه، به‌ویژه روستاهایی که آسیب‌پذیرترند.

- عدم اکتفا به برنامه‌های یک‌سویه‌نگر؛ مانند طرح‌های هادی اجراشده در این روستاها و توجه جدی به توسعه پایدار روستاهای مذکور در ابعاد مختلف. لازم به ذکر است طرح‌های هادی اجراشده در برخی از این روستاها به رسالت خود مبنی بر اصلاح کالبدی نیز عمل نکرده‌اند و هنوز نیز شبکه معابر این روستاها در وضعیت نامناسبی قرار دارند.

- اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی: مسکن و بافت ناشر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی .
- سعیدی، عباس (۱۳۹۱)، پویای ساختاری - کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی، فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، صاحب امتیاز دانشگاه خوارزمی تهران، سال یکم، شماره یک، صص ۱۸-۱.
- سعیدی، عباس و حسینی حاصل صدیقه (۱۳۸۸)، شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید. انتشارات شهیدی، چاپ دوم، تهران.
- شکویی، حسین (۱۳۸۹)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ دوازدهم، تهران: نشر مؤسسه گیتاشناسی.
- صدوق، حسن و سعیدی، عباس (۱۳۸۵)، نظام فضایی به مثابه جوهره مطالعات جغرافیایی، نشریه علمی - پژوهشی جغرافیا، صاحب امتیاز انجمن جغرافیایی ایران، سال ۴، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۲۰-۷.
- طرح جامع ناحیه‌ای شرق استان اصفهان. (۱۳۸۷). جلد چهارم، سازمان مسکن و شهرسازی استان اصفهان.
- طرح جامع ناحیه‌ای شرق استان اصفهان. (۱۳۸۷). جلد دوم، سازمان مسکن و شهرسازی استان اصفهان.
- طرح عمران و توسعه (جامع) شهر کاشان (۱۳۸۹)، جلد اول، سازمان مسکن و شهرسازی استان اصفهان.
- طرح عمران و توسعه (جامع) شهر کاشان (۱۳۸۹)، جلد پنجم، سازمان مسکن و شهرسازی استان اصفهان.
- لندست (تصاویر ماهواره‌ای) سال‌های ۱۹۸۴، ۲۰۱۷ و ۲۰۰۱ برگرفته از سایت: <https://earthexplorer.usgs.gov/>
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۷)، سرشماری کشاورزی، استان اصفهان، مرکز آمار ایران، سال ۱۳۶۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۰)، دیسکت داده‌های جمعیت (۱۳۷۰)؛ مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۵). شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان کاشان، تهران، ۱۳۷۶.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۰). ایران در آیین آماری، نشریه شماره ۲۱، سال ۱۳۸۰.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۲). سرشماری کشاورزی، دیسکت اطلاعات سال ۱۳۸۲.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری کشاورزی، دیسکت اطلاعات سال ۱۳۹۶
- مرکز آمار ایران، سرشماری کشاورزی ۱۳۷۲ استان اصفهان، مرکز آمار ایران، سال ۱۳۷۲.
- مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادی‌های کشور (۱۳۵۵)، استان اصفهان، تهران، ۱۳۵۹.
- مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادی‌های کشور (۱۳۶۵)، شهرستان کاشان، تهران، ۱۳۶۸.
- Coates, B.E., R.J. Johnston & P.L. Knox (1977), *Geography and Inequality*, Oxford University Press.
- Heck, Ronald H.(1998), "Conceptual and methodological issues in investigating principal leadership across cultures", in: *Peabody Journal of Education*, 73:2, pp. 51-80.
- Jonston , Ronald John (2000), *The dictionary of human geography*, Malden, MA: Blackweell , publishers.
- Lambooy, J. G.et al.(2001), "Transaction costs, logistics and the spatial functional dynamics of supply chains ", Paper to be presented at the European Regional Science Association (ERSA), 29-31 August, Zagreb.
- Mauer, S. M. et al. (1984): *Structural-Functional Relationships in Diabetic Nephropathy*", in: *The American Society for Clinical Investigation*, 74, October, pp. 1143-1155.
- Parysek, J.J. (2004), "The Socio-economic and Spatial Transformation of Polish Cities after 1989", in: *Dela*, 21, pp. 109-119.
- Rathbun, B. (2008), "A Rose by Any Other Name: Neoclassical Realism as the Logical and Necessary Extension of Structural Realism", in: *Security Studies*, 17:2, pp. 294-321.
- Rondinelli, D. (1985), *Applied Methods of Regional Analysis: The Spatial Dimensions of Development Policy*, West view Press, Boulder, Colorado.
- Rondinelli, D. and K. Ruddle (1978), *Urbanization and Rural Development: A Spatial Policy for Equitable Growth*, Praeger, New York.
- Tacoli, Cecilia (1998), *Bridging the divide: Rural-urban Interactions and Livelihood Strategies*, IIED, Gatekeeper Series, No. SA77, London.